

بازنمایی مهارت‌های ارتباطی در پویانمایی‌های ایرانی و غیرایرانی با نگاه کلیشه جنسیت

علیرضا خسروی فسایی*

سمیه تاجیک‌اسماعیلی**، سروناز تربتی***، لیلا نیرومند****

چکیده

سوال اینست که نحوه نمایش مهارت‌های ارتباطی در پویانمایی‌های ایرانی و غیرایرانی با تکید رکلیشه جنس مونث چگونه است؟ آیا نمایش جنس مونث در این فیلم‌ها با طبیعت شخصیت و نقش زنانه، تطابق دارد یا خیر. برای پاسخ به این سوال، از روش نشانه‌شناسی جان فیسک استفاده شده و رمزگان محتوا در سه سطح؛ ظاهری، فنی و اجتماعی بررسی شده‌اند. از چهار نمونه مورد بررسی، یافته‌های پژوهش دو فیلم آورده شده است؛ پویانمایی ایرانی (مینا و پلنگ) و پویانمایی غیرایرانی (موآنا). صحنه‌هایی از فیلم که در آنها مهارت‌های ارتباطی بازنمایی شده برای تحلیل، انتخاب شدند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که برخلاف تحقیقات و مطالعاتی از نوع گافمن، داستان‌ها فارغ از جنسیت شخصیت اول (مونث)، پیش می‌روند. تصورات قالبی درباره کلیشه جنسیتی زنان مخالف

* دانشجوی دکتری گروه علوم ارتباطات اجتماعی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،
kh59alireza@gmail.com

** استادیار و عضو هیئت علمی گروه ارتباطات اجتماعی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران،
ایران (نویسنده مسئول)، s.t.esmaeili@gmail.com

*** استادیار و عضو هیئت علمی گروه ارتباطات اجتماعی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران،
ایران، sarvenaz.torbati@gmail.com

**** استادیار و عضو هیئت علمی گروه ارتباطات اجتماعی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران،
ایران، ln_niroomand@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۰۴

با آنچه نمایش داده شده است و بیانگر بازتولید الگوهای جنسیتی سنتی نیستند. در هردو داستان، با ساختارشکنی و تقابل نسل کوچکتر با نسل بزرگتر از سوی شخصیت اصلی داستان مواجه‌ایم. ساختار شکنی‌ها در برابر سوژه‌هایی ست که ممنوع شناخته شده است. ساختار شکنی‌ها در نهایت با حفظ روابط خانوادگی، احترام به بزرگان و سنت‌ها و اولویت دادن به خانواده همراه است. برای تهیه محتوای مناسب پویانمایی‌های ایرانی، می‌توان به قصه‌ها و داستان‌های وطنی مراجعه کرد.

کلیدواژه‌ها: کودکان، رسانه، پویانمایی، مهارت ارتباطی، بازنمایی، نشانه‌شناسی، جنس مونث.

۱. مقدمه

در عصر ارتباطات و اطلاعات زندگی می‌کنیم؛ عصری که در آن رسانه‌ها جزء جدایی‌ناپذیر زندگی هستند. ماموریت رسانه، رساندن است. آنچه که آنها به عنوان رسانه و محتوی به ما انتقال می‌دهند، به اشکال مختلف در نحوه زندگی، اندیشه و احساسات و حتی فرزندانمان تعیین کننده است. در عصر کنونی با توجه به نقش بارز آنها در جامعه و اطلاع‌رسانی پیرامون موضوعات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی عملاً الگوهای نوینی را به جوامع وارد کرده و جایگزین فرهنگ‌ها و ارزش‌ها و الگوهای سنتی می‌شوند، لذا بعنوان عاملان تغییر و تحول سبک زندگی جوامع و ارزش‌های حاکم بر آن مطرح هستند و بصورت یک عامل مؤثر در دگرگونی نگرش‌ها و رفتارهای نسل جدید عمل می‌نمایند.

رایزمن (Raizman) بر این باور است که تربیت فردی در مرحله نخست؛ از طریق حماسه‌ها، افسانه‌ها و اسطوره‌ها شکل می‌گیرد که بصورت شفاهی به فرد منتقل می‌شود و نقش این نوع تربیت همزمان، هم سنت‌ها را متذکر می‌شود و هم نشان می‌دهند، چطور قهرمانان بزرگ و استثنایی می‌توانند، جاودانه شوند (دادگران، ۱۳۸۴، ۸۶). بر اساس گزارش آکادمی پدیاتریکس آمریکا (American Academy of Pediatrics) در سال ۲۰۰۱ کودکانی که در خانه بودند، بطور میانگین ۴۲ ساعت در هفته، معادل یک کار تمام وقت، وقت صرف تماشای تلویزیون یا نوارهای ویدئویی - گوش کردن به موسیقی‌های رادیو، سی دی‌ها و بازی‌های ویدئویی یا رایانه‌ای می‌کنند. بعد از انتشار این آمار، بسیاری از بزرگسالان هم اعتراف کردند که سلامتی و اکثر اوقات فراغت خود را صرف تماشای تلویزیون، نوارهای

ویدئویی و سایر وسایل سرگرم کننده الکترونیکی می‌کنند (گزارش مندرج در www.hamshahrionline.ir/news/7392).

از آنجا که کودکان در طول روز، ساعات زیادی را صرف تماشای پویانمایی‌های مختلف ایرانی و غیرایرانی می‌کنند، بر آن شدیم تا مهارت‌های ارتباطی نمایش داده شده در آنها را مورد شناخت و بررسی قرار دهیم.

۲. بیان مساله

امروزه تصور زندگی بدون رسانه تقریباً محال به نظر می‌رسد. رسانه‌ها نقش مهمی در تبلیغ سبک‌های زندگی مختلف دارند. سبک‌های زندگی، با توجه به محبوبیت و قدرت اجتماعی خویش، از رسانه‌های گوناگون برای اشاعه‌ی خود استفاده می‌کنند و شکل دهنده‌ی محتوا و فرم برنامه‌ها هستند. تلویزیون، رادیو، سینما، موسیقی، رایانه، بازی‌های رایانه‌ای و اینترنت آنچنان با زندگی ما عجین شده که کمتر متوجه تأثیرات آن هستیم. این اثرات به‌خصوص بر روی کودکان قابل تامل است.

رسانه‌های جمعی بعنوان یکی از عوامل جامعه‌پذیری، در کنار خانواده، محیط آموزشی و دوستان، نقش مهمی در رشد و تربیت جنبه‌های گوناگون زندگی کودک ایفا می‌کنند. رسانه‌ها از نخستین سال‌های کودکی با انسان همراه می‌شوند؛ آموزه‌ها و اطلاعات متنوعی از طریق رسانه‌ها؛ به‌ویژه تلویزیون، به کودکان و نوجوانان ارائه می‌شود. کودک در دنیای خاص خود زندگی می‌کند و تا زمانی که کودک است، باید در این فضا قرار داشته باشد. طبیعی است که اگر فضای بزرگ سالان جایگزین دنیای کودک گردد، کودک را دچار تعارض درونی و «از خود بیگانگی» می‌کند. کودکان بیشتر زمان تماشای تلویزیون خود را صرف مشاهده برنامه‌های بزرگ سالان می‌کنند (نیومن ۱۳۷۷، ۴۸).

افزون بر این موارد، چگونگی نمایش کلیشه‌های جنسیتی در رسانه امری مهم بوده است. در این زمینه، تحقیقات و مطالعات گافمن (Erving Goffman) مورد توجه پژوهشگران بوده است. به نظر گافمن نمایش‌های جنسیتی در موقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی سلسله مراتب اجتماعی جنسیت را تولید و بازتولید می‌کند و قدرت پدرسالار را افزایش می‌دهد و به نابرابری جنسیتی به نفع مردان و در نتیجه به حاشیه راندن زنان منجر می‌شود (احمدی و دیگران، ۱۳۹۴، ۳). این امر بر جنسیتی شدن حوزه‌ها بدین معنا اشاره دارد که زنان به حوزه خانه و مردان به حوزه کار و سیاست در بیرون خانه تعلق دارند.

متون رسانه‌ای با نحوه بازنمایی خود از هویت جنسی می‌توانند باعث ایجاد هویتی خاص یا برعکس حذف و به حاشیه راندن هویتی دیگر شوند (Casey and others, 2002, 26). انتظاری که افراد از نقش‌های کلیشه جنسیتی دارند با آنچه در فیلم‌ها نمایش داده می‌شود، ممکن است هماهنگ یا در تعارض باشد. این انتظار ناشی از تصورات قالبی است که منجر به پذیرش تصورات قالبی جنسیتی مبتنی بر ویژگی‌های زنانه و مردانه می‌شود، براساس تعمیم‌هایی انجام می‌شوند که بر آن مبنا انتظارات افراد جامعه از دوجنس شکل می‌گیرد. (موید حکمت، ۱۳۹۴، ۱۵۸). بنابراین، این تحقیق علاوه بر معرفی بازنمایی مهارت‌های ارتباطی نمایش داده شده در فیلم، به چگونگی کلیشه جنسیت در نمونه‌های تحقیق می‌پردازد.

فراگیری مهارت‌های ارتباطی بعنوان جزئی از مهارت‌های زندگی برای همگان و بویژه کودکان، نیاز ضروری محسوب می‌شود. کودکان رابطه عمیق و زیادی با پویانمایی‌ها دارند. کودکان ممکن است یک پویانمایی‌ها را بارها و بارها هم ببینند و لذت ببرند و در ذهن و روان آنان بماند. در حال حاضر همه خانواده‌ها دارای حداقل یک دستگاه تلویزیون هستند. کودکان و نوجوانان ساعات زیادی را در هفته صرف تماشای تلویزیون می‌کنند. باتوجه به اهمیت، جایگاه و نقش پویانمایی در فرهنگ‌سازی و زندگی روزمره بر آن هستیم تا مولفه‌های مهارت‌های ارتباطی را در پویانمایی‌های ایرانی که از شبکه جهانی جام جم پخش شده و غیرایرانی که مخاطبان بین‌المللی دارد، شناسایی کرده و با بازنمایی (Representation) معناهای تولید شده از طریق روش نشانه‌شناسی به درک و مطالعه آنها بپردازیم. بدنبال تصویر ارائه شده از جنسیت نقش مونث در این فیلم‌ها هستیم تا دریابیم که این تصویر به چه میزان با طبیعت و تصورات کلیشه‌ای که درباره دختران است، تطابق دارد. هدف ما در این پژوهش رمزگشایی از محتواهایی است که پشت جنبه ظاهری نشانه‌ها پنهان است و با اصول روش نشانه‌شناسی قابل درک و فهم است. بنابراین، اهداف پژوهش عبارتند از:

۱. بازنمایی مهارت‌های ارتباطی در پویانمایی‌های ایرانی.
۲. بازنمایی مهارت‌های ارتباطی در پویانمایی‌های غیرایرانی.
۳. مقایسه بازنمایی مهارت‌های ارتباطی در پویانمایی‌های ایرانی و غیرایرانی با نگاه کلیشه جنسیت.

۳. چارچوب نظری

این پژوهش در بستر مطالعات فرهنگی و نقش رسانه‌ها در بازنمایی مهارت‌های زندگی (ارتباطی) انجام می‌شود. از این رو در تحقیق حاضر، به موضوع پویانمایی (انیمیشن) بعنوان فصل مشترک رابطه «رسانه و کودک» می‌پردازیم و بازنمایی مهارت‌های ارتباطی در پویانمایی‌های ایرانی و غیرایرانی را با نگاه به کلیشه جنسیت مقایسه می‌کنیم. روش مقایسه‌ای از دیرینه‌ترین روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی است. با این حال، روش مقایسه‌ای هنوز در حال گسترش و تکمیل رویه‌های خود است (کوثری، ۱۳۸۶، ۱۴۴). تحلیل مقایسه‌ای کیفی که نخستین بار توسط چارلز راگین (Ragin, Charles) مطرح شد، تحولی قابل توجه در روش مقایسه‌ای بوجود آورد (همان، ۱۴۵).

۱.۳. بازنمایی

بازنمایی یکی از رویکردهای مربوط به تجربه خودآگاه در فلسفه ذهن است. ساده‌ترین تعبیر از بازنمایی که برگرفته از واژه‌نامه آکسفورد است این مفهوم را چنین تعریف می‌کند: «عمل نمایش دادن کسی یا چیزی به شیوه‌ای خاص». اما تعریفی پیچیده از این مفهوم که توسط کریس بارکر (ChrisBarker) و از منظر مطالعات فرهنگی بیان شده، بیان می‌کند: «بازنمایی مجموعه‌ای از فرآیندهاست که از طریق آن، اعمال معنادار، یک شیء یا رفتار در دنیای واقعی را توصیف یا معنا می‌کنند. از این رو، بازنمایی عمل نمادپردازانه است که دنیای مورد نظر مستقلی را انعکاس می‌دهد» (بارکر، ۲۰۰۴، ۱۷۷). با تکیه بر آرای نشانه‌شناسان، معانی توسط نشانه‌ها خلق می‌شوند و تفکر ما در متون در محدوده نشانه‌ها امکان‌پذیر است اما معنا را امری وابسته به زمینه و بافت می‌دانند و ضمن آنکه از یک طرف نشانه را درون متن بری از هرگونه معنای پایدار و ثابت می‌دانند، از طرف دیگر آنها را نوعی نمایش مکتوب در نظر می‌گیرند و در نتیجه متن را بعنوان منبع وجودی معنا فرض می‌کنند (بارکر، ۲۰۰۳، ۹۵ در میرزایی و پروین، ۱۳۸۹، ۱۶).

بازنمایی یکی از شیوه‌های کلیدی تولید معناست. معنا صریح یا شفاف نیست و از طریق بازنمایی در گذر زمان، یک دست باقی نمی‌ماند. معنا بی‌ثبات یا لغزنده است و همیشه قرار ملاقاتش با حقیقت مطلق را به تاخیر می‌اندازد، همیشه برای هم‌طنین شدن با موقعیت‌های جدید مورد مذاکره قرار می‌گیرد و تغییر می‌یابد، اغلب مورد مجادله بوده و هر

از گاهی به شدت بر سر آن جنگ شده است. معانی به شدت در رابطه با قدرت ثبت و حک می‌شوند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷، ۱۶). استوارت هال با نظریه برساخت گرایانه بازنمایی، این مبحث را مطرح می‌کند که رسانه‌ها واقعیت را بازتاب نمی‌دهند، بلکه آن را به رمز در می‌آورند (همان، ۷۲).

۲.۳ نشانه‌شناسی

نشانه‌شناسی (Semiotics) علمی است که به مطالعه نشانه‌ها و نمادهای اجتماعی و فرهنگی می‌پردازد. نشانه‌شناسی علمی است که به بررسی انواع نشانه‌ها، عوامل حاضر در فرایند تولید و مبادله و تعبیر آنها و نیز قواعد حاکم بر نشانه‌ها می‌پردازد. دانش نشانه‌شناسی، بررسی معناسازی، فرایند شکل‌گیری نشانه‌ها و فهم ارتباطات معنادار است. نشانه‌شناسی شامل مطالعه ساخت و شکل‌گیری نشانه‌ها، اشارات، دلالت‌ها، نام‌گذاری‌ها، قیاس‌ها، تمثیل‌ها، استعاره‌ها و رمزگان‌های ارتباطی است. نشانه‌ها برپایه روش یا رمزگان مورد بهره برای انتقالشان دسته‌بندی می‌شوند که می‌تواند آواهای خاص، علامت‌های الفبایی، نمادهای تصویری، حرکات بدن یا حتی پوشیدن یک لباس ویژه باشد. هرکدام از اینها برای رساندن پیام ابتدا باید توسط گروه یا جامعه‌ای از انسان‌ها به‌عنوان حامل معنایی خاص پذیرفته شده باشند (طاهری، ۱۳۹۶، ۱۶-۱۷).

در نظر نشانه‌شناسان، هیچ‌گونه پیام فارغ از رمز وجود ندارد. از اینرو، آنها همه تجربه را متضمن فراگرد رمزوارگی می‌دانند. رمزگشایی، نه تنها مستلزم شناخت و فهم و درک متن، که تفسیر و ارزیابی و داوری درمورد آن نیز را دربرمی‌گیرد (ضمیران، ۱۳۸۲، ۱۵۱). نشانه‌شناسی بدنال تحلیل متون در حکم کلیت‌های ساختمند و در جستجوی معناهای پنهان و ضمنی است (چندلر، ۱۳۸۷، ۳۱).

۳.۳ نشانه‌شناسی جان فیسک

به باور جان فیسک (John Fiske)، همه رمزها معنا را می‌رسانند (فیسک، ۱۳۸۶، ۹۸). فیسک، قبل از پرداختن به نشانه‌شناسی در کتابش، اصرار دارد که ابتدا باید پیام شناخته شود. پیام صرفاً چیزی نیست که از فرستنده به گیرنده ارسال می‌شود. پیام برای نشانه‌شناسان، ساختی از نشانه‌هاست که از راه کنش متقابل با دریافت کنندگان، تولید معنا

می‌کند. در فرآیند ارسال پیام، وقتی پیام از فرستنده به گیرنده ارسال می‌شود، اهمیت و تاکید از فرستنده به سمت گیرنده افزایش پیدا می‌کند و خوانش متن مهم است. خوانش، فرایند فهم معناست که بهنگام کنش متقابل با متن برای خواننده رخ می‌دهد. این کنش هنگامی صورت می‌گیرد که خواننده جنبه‌های تجربی فرهنگی خود را بر رمزها و نشانه‌هایی که متن را می‌سازد، تحمیل می‌کند. همچنین دربرگیرنده مفاهیم مشترک از آن چیزی که متن درباره آن است (فیسک، ۱۳۸۶، ۱۱-۱۳). اساس و خاستگاه نظریه فیسک، مدل نظریه ریاضی ارتباطات شانن و ویور (Shannon and Weaver) است. در این الگو، تاکید بر رمز و نشانه است. (همان، ۱۸).

در فرآیند ارتباط، طرفین ناگزیرند که پیام را از نشانه‌ها بسازند. هرچه نظام نشانه‌ها یکسان باشند، معنای پیام به یکدیگر نزدیک‌تر خواهد شد (همان، ۶۳).

زبان به اشکال مختلف و در سطوح مختلف حامل ایدئولوژی است، بنابراین ایدئولوژی هم درون ساختارها و هم در رخدادهای زبانی وجود دارد. تعریفی که فیسک از رمز ارائه می‌دهد، آن را نظامی از نشانه‌های قانونمند می‌داند که همه آحاد یک فرهنگ به قوانین و عرف‌های آن پایبندند. این نظام مفاهیمی را در فرهنگ به وجود می‌آورد که باعث حفظ آن می‌شود، رمز حلقه واسط بین پدید آورنده، متن و مخاطب است. از طریق رمز است که پیوند درونی متن حفظ می‌شود و از راه همین پیوند درونی است که متون مختلف در شبکه‌ایی از معانی بوجود آورنده دنیای فرهنگی با یکدیگر پیوند می‌یابند (فیسک، ۱۳۸۱، ۱۲۷-۱۲۸).

نظریه‌های ایدئولوژیک تاکید می‌کنند که همه ارتباطات و همه معانی جنبه اجتماعی سیاسی دارند و نمی‌توان آنها را بیرون از زمینه اجتماعی فهمید. کار ایدئولوژیک همیشه وضع موجود را می‌پسندد، زیرا طبقات صاحب قدرت نه تنها بر تولید و توزیع کالا، بلکه بر تولید و توزیع عقاید نیز تسلط دارند. (فیسک، ۱۳۸۶، ۲۵۶-۲۵۷). فیسک، هدف از تحلیل نشانه‌شناختی را معلوم کردن آن لایه‌های معانی رمزگذاری شده‌ای می‌داند که در ساختار فیلم‌ها، برنامه‌های تلویزیونی قرار می‌گیرند (فیسک، ۱۳۸۰، ۱۲۸).

فیسک با تقسیم جهان اجتماعی به سه سطح: واقعیت، بازنمایی و ایدئولوژی، رمزهای سه گانه را مطرح می‌کند که به ترتیب متناظر با سطوح گانه جهان اجتماعی‌اند. به نظر وی، حضور انسان در زندگی واقعی همواره حضوری رمزگذاری شده است و هرکدام از عناصر واقعی زندگی اجتماعی، دارای دلالت‌های مختلفی هستند (همان).

فیسک رمزها را دارای ساختارهای سلسله مراتبی می‌داند که بخشی در سطح متن، بخشی بر معنای اجتماعی و بخشی نیز به بعد ایدئولوژیکی بر می‌گردد:

(۱) واقعیت (رمز اجتماعی): بیشتر رمزها در این سطح می‌باشند. از جمله این رمزها، می‌توان، لباس‌ها و ظواهر چیزها نام برد. سطح اول، توصیفی است و در واقع رمزهای فنی توصیف می‌شوند و در مورد دال و مدلول صحبت می‌شود.

(۲) باز نمایی (رمز فنی): در این سطح بیشتر رمزهای اجتماعی قرار دارند که بازنمایی عناصر دیگر هستند که به کمک معنای فرهنگی و ایده‌های بین‌الذهانی با معانی رمزگان فنی بازنمایی می‌شود. این فرایند دلالت‌گری توسط عقل سلیم صورت می‌گیرد. رمزهای فنی مانند: نورپردازی، دوربین، صدا، موسیقی و ... که رمزهای متعارف بازنمایی را منتقل می‌کنند.

(۳) ایدئولوژی (رمز ایدئولوژیکی): رمزهای فنی و اجتماعی را در مقوله انسجام و مقبولیت اجتماعی قرار می‌دهد. در سطح سوم که رمزهای ایدئولوژیکی قرار دارند و رمز فنی و اجتماعی را انسجام می‌دهد، مانند: مانند: طبقه اجتماعی، مادی‌گرایی، خانواده، نژاد و بعد تبیینی دارد (همان، ۱۲۷-۱۲۹).

روش جان فیسک، روش مناسب برای نقد و تحلیل پیام‌های تصویری است. روش فیسک، هم به متن توجه جدی دارد و هم به خارج از متن. بنابراین، روش نشانه‌شناسی در پژوهش حاضر، روش نشانه‌شناختی فیسک می‌باشد. هر صحنه از فیلم باید در سه سطح تحلیل شوند که هر سطح نوع رمزگان ویژه خود را دارد.

۴. روش پژوهش

برای رسیدن به اهداف آغازین پژوهش و دستیابی به اهداف پژوهش، در تحقیق حاضر از روش ترکیبی استفاده می‌شود که شامل: مطالعه کتابخانه‌ای پیشینه مباحث و مباحث نظری و تحلیل کیفی نشانه‌شناسی است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز پس از فراهم آوردن اطلاعات و زمینه‌ها، از طریق محتوای کیفی، برای رسیدن به اهداف صورت خواهد گرفت. با استفاده از روش تحلیل نشانه‌شناسی به رمزگشایی نشانه‌های آشکار و پنهان داستان ارائه شده در پویانمایی می‌پردازیم.

از بین شیوه‌های موجود برای آموزش مهارت‌های زندگی و مهارت‌های ارتباطی، مدل سازمان بهداشت جهانی انتخاب شده است. در مدل سازمان بهداشت جهانی برای آموزش مهارت‌های زندگی ارائه شده، دوازده مولفه برای مهارت‌های زندگی بر شمرده است: *تصمیم‌سازی، حل مشکل، تفکر خلاق، تفکر انتقادی، ارتباط موثر، روابط بین فردی، خودآگاهی، اذعان، همدلی، تعامل، مقابله با استرس و ترس و انعطاف‌پذیری*. در این پژوهش به مولفه‌های ارتباطی مهارت‌های زندگی از منظر سازمان بهداشت جهانی می‌پردازیم. این مولفه‌ها شامل: *تصمیم‌سازی، حل مشکل، تفکر خلاق، تفکر انتقادی، روابط بین فردی، همدلی، مقابله با استرس و ترس و انعطاف‌پذیری (Partners in Life Skills Education; Department of Mental Health World Health Organization, 1999, 1-2)*.

روش نشانه‌شناسی در پژوهش حاضر، روش نشانه‌شناختی جان فیسک می‌باشد. همانطور که توضیح داده شده، نشانه‌شناختی جان فیسک مبتنی بر سه مرحله است؛ مرحله اول؛ توصیف کلی متن، مرحله دوم؛ انتخاب سکانس‌هایی که حامل بیشترین بار ایدئولوژیک هستند و مرحله سوم؛ تحلیل نشانه‌شناختی سکانس‌های انتخابی برای توضیح ایدئولوژی پنهان در آنها. هر سکانس از فیلم باید در این سه سطح تحلیل شوند که هر سطح نوع رمزگان ویژه خود را دارد. واحد تحلیل، صحنه‌های نمایش داده شده در انیمیشن‌های داخلی و خارجی است. در عمل، ابتدا به معرفی داستان فیلم پرداخته شده، سپس نشانه‌هایی که به یکی از مولفه‌های مهارت‌های ارتباطی مرتبط بوده، استخراج شده و در نهایت این نشانه‌ها با هدف آشکار کردن ایدئولوژی پنهان آنها، بررسی و تحلیل شدند. فضای کلی فیلم با استفاده از این نشانه‌ها معرفی و ارائه گردیده است.

جامعه آماری شامل همه انیمیشن‌های ایرانی و غیرایرانی است. از آنجا که این پژوهش بصورت مطالعات موردی انجام می‌شود، نمونه‌گیری بصورت هدفمند و از نمونه‌های در دسترس استفاده می‌شود. برای انتخاب نمونه‌های مورد نظر، به این نکته دقت شد که محتوای انیمیشن‌ها مشابه باشند، فضای داستان‌ها خیلی از هم دور نباشند و به جنسیت مونث در شخصیت اصلی داستان توجه شد.

تعداد فیلم‌های پویانمایی ایرانی قابل توجه (برخلاف مشابه غیرایرانی) محدود هستند. لذا با بررسی‌های متعدد و فراوان برای انتخاب نمونه‌های ایرانی، بعد از جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی مرتبط، دو پویانمایی که در سال‌های اخیر نمایش داده شده انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. نمونه مورد مطالعه ایرانی؛ انیمیشن "مینا و پلنگ".

برای انتخاب نمونه‌های غیرایرانی به جشنواره اسکار و برندگان آن در بخش انیمیشن توجه شد. نمونه‌های مورد مطالعه غیرایرانی، انیمیشن "موآنا" می‌باشد. این پویانمایی، نامزد برنده جایزه اسکار سال ۲۰۱۷ بوده است.

در هر دو انیمیشن، بازنمایی مهارت‌های ارتباطی بر اساس فرهنگ بومی، چگونگی مواجهه و رفتار شخصیت‌های اصلی داستان با اتفاقات پیش افتاده و روایت داستان نمایش داده شده، مورد توجه واقع شده است.

۵. یافته‌های پژوهش

قبل از ارائه یافته‌های تحقیق، به معرفی داستان فیلم پرداخته می‌شود تا با فضای داستان آشنا باشیم.

۱.۵ معرفی فیلم پویانمایی سینمایی: مینا و پلنگ



«مینا و پلنگ» یک انیمیشن سه بعدی است که بر اساس یک داستان واقعی که حدود ۱۰۰ سال پیش در روستای کندلوس (استان مازندارن) اتفاق افتاده، ساخته شده است. مینای فیلم دختر بچه‌ای با چشمان سبز رنگ است که حدوداً ۶ سال سن دارد. مینا پدری بیمار دارد و مادرش در قید حیات نیست. از اینرو با مادر بزرگش در روستایی در شمال کشور ایران (کندلوس) زندگی می‌کند. روابط افراد روستا، از جنس روابط صمیمانه و بسیار نزدیک بهم است. یک روز مادر بزرگ مینا برای کارهای روزانه از خانه بیرون می‌آید، مینا هم بدون اجازه پشت سر او به راه می‌افتاد که در وسط راه مادر بزرگ متوجه این موضوع می‌شود. مینا بواسطه بازی‌گوشی‌های کودکانه سنش از مادر بزرگ فاصله می‌گیرد و در جنگل گم می‌شود. در اینجا با بچه پلنگی که او نیز گم شده و از مادرش جدا گشته، برخورد می‌کند. این برخورد باعث آشنایی و دوستی آن دو می‌شود. در بین راه عقاب‌ی قصد

حمله به مینا دارد که بچه پلنگ او را از چنگال عقاب نجات می‌دهد. در ادامه راه، بچه پلنگ درون گودالی می‌افتاد که مینا با تلاش فراوان، آن را از گودال بیرون کشیده و نجات می‌دهد. مینا و پلنگ باهم در جنگل براه می‌افتند تا به روستا می‌رسند. مینا مجبور می‌شود که بچه پلنگ را بدور از چشمان اهالی روستا در جایی پنهان کند. نیمه شب بچه پلنگ از جای مخفی شده‌اش بیرون می‌رود و سروصدا می‌کند، در نتیجه مریم، دخترخاله مینا، متوجه حضور بچه پلنگ می‌شود. از فردا صبح اسم بچه پلنگ بر لب و دهان اهالی روستا می‌افتاد و همه بدنبال آن هستند. از طرفی، مرغ و خروس و گوسفندهای اهالی روستا به مرور زمان کم و گم می‌شوند که ظن اهالی روستا به بچه پلنگ بیشتر می‌شود و تلاش می‌کنند علیرغم میل مینا، آن را به دام بیاندازند. بچه پلنگ توسط اهالی روستا شکار می‌شود و به دام می‌افتد. مینا با همکاری مریم شبانه بچه پلنگ را نجات می‌دهند و آن را در جنگل رها می‌کنند و از آن می‌خواهند تا به آغوش مادرش برگردد. همزمان، مادر بزرگ مینا راز گم شدن و کم شدن مرغ و خروس و گوسفندهای اهالی روستا را کشف می‌کند؛ شغالی در اطراف روستا بوده که شبانه بدور از چشمان اهالی روستا، به روستا حمله می‌کرده است.

۲.۵ تحلیل فیلم مینا و پلنگ

مطابق روش نشانه‌شناسی جان فیسک، نظام رمزگان را باید در سه سطح تحلیل و بررسی کرد. نشانه‌های سطح اول که دربرگیرنده نشانه‌های ظاهری ست در سراسر فیلم دلالت بر ساده بودن و محلی بودن شخصیت‌های داستان و صحنه پردازی‌ها دارد. این نشانه‌ها در روستا و محل زندگی مینا بخوبی نمایش داده شده است. وسایل، امکانات، خانه‌ها و لباس‌های مینا و سایرین بدور از هرگونه وسایل دوران نوین و مدرن زمانه خویش است. داستان، بازنمایی یک واقعه در صد سال پیش است. نشانه‌های سطح اول (ظاهری) بر طبقه اجتماعی آنان دلالت دارد؛ روستایی بودن. در سطح دوم دلالت، جمع بودن و در کنار هم بودن میان اهالی روستا را به ذهن متبادر می‌سازد که منجر به همکاری، صمیمیت، همدلی و دلسوزی برای یکدیگر می‌شود. در این نوع از زندگی، تضاد طبقاتی نیز به چشم نمی‌خورد. فیلم با نمایش سکانس‌هایی شروع می‌شود که معنای کار و زندگی در روستا را به ذهن یادآوری می‌کند؛ گرمای آتش ناظر بر گرم بودن زندگی در روستا، کارهای سخت که عمدتاً افراد به تنهایی مشغول انجام آن هستند و امرار معاش‌شان را می‌گذرانند، استعاره‌ای ست برای معرفی زندگی روستایی.

در پویانمایی «مینا و پلنگ»، تمامی مهارت‌های ارتباطی بصورت مفصل و کامل نمود داشته است.

از نکات منفی این فیلم باید خاطر نشان کرد که مینا در جاهایی از داستان برای اینکه کارش را پیش ببرد و مسایلس را حل کند، به دروغ متوسل شده است.

۳.۵ معرفی فیلم پویانمایی سینمایی: موآنا



آنچه در ذیل می‌آید خلاصه داستان نمایش داده شده در فیلم سینمایی پویانمایی مزبور است:

انیمیشن موآنا توسط شرکت والت دیزنی ساخته شده است. مادربزرگ (مادر رئیس قبیله) قصه خلقت «جزیره مادر؛ تفتی» را برای کودکان قبیله تعریف می‌کند. قلب مادر جزیره توسط مائویی دزدیده شده است. لذا دنیا به سمت تاریکی می‌رود. مائویی در طول مسیر به «اهریمن زمین و آتش» برخورد می‌کند که وی نیز قصد تصرف قلب مادر هستی را دارد. مائویی در این نبرد شکست خورده و قلب مادر حیات در دریا گم می‌شود. مائویی نیز ناپدید می‌گردد. بعد از هزاران سال، کسی باید قلب مادر هستی را به سر جاش برگرداند تا همه از مرگ و تاریکی نجات پیدا کنند و وضعیت زندگی قبیله بهتر شود. دست تقدیر، دختر نوجوان ماجراجویی (۱۶ ساله) بنام «موآنا» را انتخاب می‌کند. وی علی‌رغم قانون ممنوعیت سفر به اقیانوس، راهی دریا می‌شود تا این وظیفه را انجام دهد. اقیانوس مراقب وی در طول مسیر است. وی با مائویی آشنا می‌شود و هر دو با هم به سمت اهریمن حرکت می‌کنند. پس از طی ماجراهای مختلف و نبرد با اهریمن آتش، قلب به سر جایش در

دل مادر حیات بازگردانده می‌شود و همه سرزمین را سرسبزی فرا می‌گیرد. بنابراین موآنا موفق به انجام وظیفه‌ای می‌شود که الهه حیات بر گردن او گذاشته بود.

۴.۵ تحلیل فیلم موآنا

مطابق روش نشانه‌شناسی جان فیسک، نظام رمزگان را باید در سه سطح تحلیل و بررسی کرد. نشانه‌های سطح اول که دربرگیرنده نشانه‌های ظاهری ست در سراسر فیلم دلالت بر بومی، قبیله‌ای و روستایی بودن در داستان و صحنه پردازی‌ها دارد. این نشانه‌ها در سراسر فیلم و در صحنه آرای، خانه‌های بومی و محلی، لباس‌های سنتی، مراسم‌های بومی و سنتی، شخصیت‌های داستان و مکالمات افراد حاضر بخوبی نمایش داده شده است. وسایل، امکانات، خانه‌ها و لباس‌های افراد، یادآور این نکته ست که آنان در یک منطقه بومی و قدیمی با اعتقادات سنتی خودشان زندگی می‌کنند. برای نیاکان و اجداد خود خیلی احترام قائل هستند. نشانه‌های سطح اول (ظاهری) بر طبقه اجتماعی آنان دلالت دارد؛ بومی و محلی بودن در یک منطقه و بدور از تکنولوژی و وسایل نوین. حتی برای رفت و آمد در دریا، از قایق‌های چوبی استفاده می‌کنند. در سطح دوم دلالت، زندگی جمعی و قبیله‌ای را بازنمایی می‌کند. در این نوع زندگی؛ مشارکت و همکاری دسته جمعی، تلاش برای اهداف مشترک، زندگی یکدست و بدور از هرگونه تضاد طبقاتی، احترام به یکدیگر و روابط انسانی عمیق بازنمایی شده است.

در پویانمایی «موآنا»، مهارت‌های ارتباطی: تصمیم‌گیری، خلاقیت، انتقاد، رابطه میان فردی، همدلی و غلبه بر ترس و استرس بازنمایی شده و از مهارت‌های ارتباطی: حل مساله و انعطاف‌پذیری موردی مشاهده نشده است. هرچند موآنا برای نجات قبیله و حل مساله مرگ «طبیعت و زندگی» در قبیله‌شان به اقیانوس سفر می‌کند، اتفاقاتی که برای وی در طول سفر می‌افتد با کمک دریا حل می‌شود و اقیانوس در تمام مسیر کمک و پشتیبان وی است.

بنابراین مهارت‌های ارتباطی به شرح جدول ذیل در فیلم‌ها نمایش داده شده است:

ردیف	مهارت ارتباطی	نمونه اول؛ مینا و پلنگ	نمونه دوم؛ موآنا
۱	تصمیم‌سازی	+	+
۲	حل مشکل	+	-
۳	تفکر خلاق	+	+
۴	تفکر انتقادی	+	+

ردیف	مهارت ارتباطی	نمونه اول: مینا و پلنگ	نمونه دوم: موآنا
۵	روابط بین فردی	+	+
۶	همدلی	+	+
۷	مقابله با استرس و ترس	+	+
۸	انعطاف‌پذیری	+	-

با تحلیل فیلم‌ها، معلوم شد که نشانه‌ها و رمزگان در هر دو نمونه شبیه هم بودند که به شرح جدول ذیل آمده است:

سطح مورد تحلیل	نمونه اول: مینا و پلنگ	نمونه دوم: موآنا
سطح اول؛ نشانه‌های ظاهری	سادگی، لباس‌های محلی، استفاده از رنگ‌های متنوع و شاد، زندگی جمعی و مشارکت همگانی، بیان آرام و ملایم آنان در روابط صمیمی آنان با یکدیگر.	سادگی، لباس‌های بومی، استفاده از رنگ‌های متنوع و شاد، زندگی جمعی و مشارکت همگانی، بیان آرام و ملایم آنان در روابط نزدیک با یکدیگر.
سطح دوم؛ نشانه‌های فنی	استفاده از: شعر و موسیقی محلی، لباس‌های محلی و شاد و رنگارنگ، دکوراسیون ساده و بی‌آلایش. عدم وجود نشانه‌ای از فناوری و تکنولوژی. مکان اجتماعی ساده و بدور از خصوصیات مدرنیته.	استفاده از: شعر و موسیقی محلی، لباس‌های محلی و شاد و رنگارنگ، طراحی صحنه ساده و بی‌آلایش. عدم نشانه‌ای از فناوری و تکنولوژی. فضاهای اجتماعی ساده و و محلی و عاری از دنیای مدرنیته.
سطح سوم؛ نشانه‌های اجتماعی	ایدئولوژی‌های اجتماعی، شامل: زندگی جمعی و بومی همراه با رعایت آداب و رسوم گذشته، احترام به سنت‌ها، احترام بزرگترها، تعهد و حفظ نهاد خانواده، محیط تولد و رشد کودکان و نوجوانان، خودباوری و اتکا به خود، و ... انضباط اجتماعی حاکم بر محل زندگی؛ زندگی دسته جمعی و مشارکتی؛ زندگی روستایی. فعالیت و تحرک شخصیت اصلی داستان فارغ از جنسیت مونث بودن. ساختارشکنی موضوعات ممنوعه و درنهایت بازگشت به خانواده و احترام به روابط خانوادگی.	ایدئولوژی‌های اجتماعی، شامل: زندگی جمعی و بومی همراه با رعایت آداب و رسوم گذشته، احترام به سنت‌ها و اجداد پیشین، احترام بزرگترها، تعهد و حفظ نهاد خانواده، محیط تولد و تربیت افراد، وطن و سرزمین دوستی، خودباوری و اتکا به خود، و ... نظم اجتماعی حاکم بر داستان؛ زندگی دسته جمعی و مشارکتی در یک خانواده بزرگ دارد: زندگی قبیله‌ای. کنش و رفتار شخصیت اصلی داستان بدون توجه به جنسیت مونث بودن. ساختارشکنی سوژه‌های ممنوعه و درنهایت بازگشت به خانواده و احترام به خانواده.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اگر مسائل فنی و طراحی‌های تصویری رایانه‌ای را کنار بگذاریم، و به محتوا بنگریم، در هر دو نمونه، پرداختن به داستان‌ها براساس افسانه و قصه‌های وطنی بوده است.

رمزگشایی در سطح نشانه‌های ظاهری، تاکید بر سادگی، بومی بودن، لباس‌های محلی، استفاده از رنگ‌های متنوع و شاد، زندگی جمعی و مشارکت همگانی، بیان آرام و ملایم آنان در روابطشان با یکدیگر و ... دارند.

رمزگشایی در سطح دوم نشانه‌ها، تاکید بر استفاده از: شعر و موسیقی محلی، لباس‌های محلی و شاد و رنگارنگ، دکوراسیون ساده و بی‌آلایش و ... دارد. در این فضا و در هیچ کدام از نمونه‌ها، نشانه‌ای از فناوری و تکنولوژی مشاهده نمی‌شود. مکان و فضاهای اجتماعی از لحاظ ظاهری در دنیای ساده و بدور از خصوصیات مدرنیته اتفاق می‌افتاد.

رمزگشایی در سطح سوم نشانه‌ها، ما را در فهم معانی ایدئولوژی رفتار کودک و نوجوان راهنمایی می‌کند. این ایدئولوژی‌ها، شامل زندگی جمعی و بومی همراه با رعایت آداب و رسوم گذشته، احترام به سنت‌ها و اجداد پیشین، احترام بزرگترها، تعهد و حفظ نهاد خانواده، محیط تولد و رشد افراد، وطن و سرزمین دوستی، خودباوری و اتکا به خود، و ... است. نظم اجتماعی حاکم بر محل زندگی در هر دو نمونه ایرانی و غیرایرانی، حکایت از زندگی دسته جمعی و مشارکتی دارد. در این نوع از نظم، ارتباطات چهره به چهره و عمیق را شاهد هستیم.

اینها ما را به مفاهیم/اجتماع و جامعه مورد نظر فردیناند تونیس (Ferdinand Tönnies) رهنمون می‌سازد. روابط اجتماعی در اجتماع (Gemeinschaft/ Community) - که در پیشاتجدد به صورت یک خانواده بزرگ یا قبیله و قوم تجلی می‌کرد- بر پایه عاطفه، سنت، خویشاوندی و دوستی قرار دارد. به عبارت دیگر پایه طبیعی اجتماع در آداب عامیانه، عرفیات و تصورات طبقه عوام وجود دارد و برعکس هر جا که شهرنشینی شکوفه می‌کند، جامعه (Society/Gesellschaft) بعنوان ابزار ضروری آن ظاهر می‌شود.

در تشریح هدف سوم، باید گفت که در هر دو نمونه فیلم، رفتارهایی از دخترپچه (جنس مونث) بعنوان شخصیت اصلی داستان شاهد بودیم که تناسبی با جنسیت آنان ندارد. مینا، در داستان برای نجات پلنگ گرفتار شده دست به فعالیت‌ها و کنش‌هایی می‌زند که متناسب سن دخترپچه ۵-۶ ساله نیست. البته این نوع از رفتار وی را می‌توان به محل زندگی و محل رشد مینا نسبت داد که زندگی روستایی، افراد را کمتر وابسته و بیشتر با اتکا

به خود بار می‌آورد. افزون بر این، رفتار و بازی‌گوشی دخترانه کمتر دیده شده است. بعنوان نمونه در صحنه‌ای، مینا در جواب همسایه از بابت علت سروصدای شبانه، مینا به دروغ می‌گوید که با دوستش پلیس بازی می‌کرده است، خانم همسایه یادآوری می‌کند که پلیس بازی برای پسرهاست و دخترها باید خاله بازی و عروسک بازی کنند. وی از جابجایی اینطور نقش‌های جنسیتی ابراز ناراحتی و تعجب می‌کند.

این رفتار خلاف سن و جنسیت را در نمونه غیرایرانی موآنا نیز شاهد هستیم. موآنا با اینکه دختر نوجوانی است، ولی تنهایی دل به دریا و طوفان می‌زند و برای نجات قبیله کوشش می‌کند. از دختر نوجوان انتظار راندن قایق بادی و به تنهایی نیست. نقش ملوان و کاپیتان کشتی و قایق بیشتر در هیئت مردانه در فیلم‌های مختلف به نمایش گذاشته می‌شود. البته این نوع از رفتار وی را همانند مینا می‌توان به محل زندگی و محل رشد موآنا نسبت داد که زندگی روستایی، افراد را کمتر وابسته و بیشتر با اتکا به خود بار می‌آورد.

یافته‌های این پژوهش، لاقلاً در دو نمونه مورد بررسی، بر خلاف ادعای مطالعاتی از نوع گافمن، دختران را خارج از خانه و در حال ایفای نقش بزرگتر نمایش می‌دهد که نیازی به کمک گرفتن از بزرگترها ندارند. این نمونه‌های مورد بررسی، تعادل روابط و مناسبات جنس مذکر- مونث را به نفع مونث سنگین‌تر می‌کند و بیانگر برساخت و باز تولید الگوها و هنجارهای جنسیتی سنتی نیستند.

همچنین در هر دو داستان، با ساختار شکنی و تقابل نسل کوچکتر با نسل بزرگتر از سوی شخصیت اصلی داستان مواجه‌ایم. ساختار شکنی‌ها در برابر سوژه‌هایی است که ممنوع شناخته شده است. این ساختار شکنی‌ها در نهایت با برگشت به خانواده، حفظ روابط خانوادگی، احترام به بزرگان و سنت‌ها و اولویت دادن به خانواده همراه است.

همانطور که پیش از این و در مباحث نظری آورده شده، نمادها و نشانه‌ها، رفتار ایدئولوژیک شخصیت‌های داستان را آشکار می‌کند و رفتار آنان را عادی و طبیعی بازتولید می‌کند. هرکدام از آنان طی فرایند داستان تبدیل به اسطوره برای اطرافیان می‌شوند. اسطوره‌هایی که رفتار عادی و طبیعی زندگی روزمره را بازتولید می‌کنند و خیلی دور از دست و دور از چشم ما نیستند. در زندگی این اسطوره‌ها، آنچه مورد توجه فراوان بوده و مشترک در همه این نمونه‌ها بوده؛ توجه به خانواده، حفظ نهاد خانواده، پایبندی به رسوم و آداب و سنت‌های پیشینیان (که نسل به نسل، آموزش و منتقل داده شده) و احترام به اجداد

و بزرگان است. اینها، واقعیت‌های بیرونی ست که در پویانمایی‌ها بازنمایی شده است. تکرار آنها در جریان داستان فیلم، یادآور اهمیت و ضرورت پرداختن به آنهاست. افتخار و تاکید بر آداب و رسوم، نمادهای ملی و مذهبی، زندگی جمعی و مشارکتی، حفظ نهاد خانواده، نشان دادن خانواده گسترده برای انتقال فرهنگ‌ها از نسلی به نسل دیگر از جمله محتوای خوب و مناسب برای کودکان و نوجوانان است.

کتاب‌نامه

- احمدی، ثریا و دیگران (۱۳۹۴). تحلیل نشانه‌شناختی هویت جنسیتی در تلویزیون. در فصلنامه زن در فرهنگ و هنر. بهار ۱۳۹۴. ش ۱.
- پیردافی، فاطمه (۱۳۸۹). تحلیل محتوی کیفی و کاربرد آن در رسانه. تهران. مرکز تحقیقات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- چندلر، دانیل (۱۳۸۷). مبانی نشانه‌شناسی. ترجمه مهدی پارسا (چاپ سوم). تهران. انتشارات سوره مهر.
- دادگران، سید محمد (۱۳۸۴)؛ مبانی ارتباط جمعی؛ تهران. نشر مروارید و فیروزه، چاپ هشتم.
- سجودی، فروزان (۱۳۸۲). نشانه‌شناسی کاربردی. تهران. نشر قصه.
- سجودی، فرزانه (۱۳۹۰). نشانه‌شناسی: نظریه و عمل (مجموعه مقالات). تهران. نشر علم.
- سمواتی، زهرا (۱۳۹۷). رسانه و سبک زندگی فردی - اجتماعی خانواده از توصیف و تبیین تا اصلاح و تغییر در www.imam-khomeini.ir
- ضمیران، محمد (۱۳۸۲). در آمدی بر نشانه‌شناسی هنر. تهران. نشر قصه.
- طاهری، صدرالدین (۱۳۹۶). نشانه‌شناسی کهن‌الگوها در هنر ایران باستان و سرزمین‌های همجوار. تهران. نشر شورآفرین.
- فیسک، جان (۱۳۸۶). درآمدی بر مطالعات ارتباطی. ترجمه مهدی غبرایی. تهران. دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- فیسک، جان. فرهنگ و تلویزیون. ترجمه مژگان برومند. مجله ارغنون. زمستان ۱۳۸۰. شماره ۱۹.
- فیسک، جان. فرهنگ و ایدئولوژی. ترجمه مژگان برومند. مجله ارغنون. تابستان ۱۳۸۱. شماره ۲۰.
- کوثری، مسعود (۱۳۸۶). تحلیل مقایسه‌ای کیفی در علوم اجتماعی. فصلنامه نامه علوم اجتماعی. شماره ۳۱. پاییز ۱۳۸۶.
- موید حکمت، ناهید (۱۳۹۴). شناسایی تصورات قالبی جنسیتی در شهر تهران؛ گسست یا تداوم. در فصلنامه پژوهشنامه زنان. سال ششم. ش ۱.
- مهدی زاده (۱۳۸۷) رسانه‌ها و بازنمایی. تهران. دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

میرزایی، حسین و امین پروین (۱۳۸۹). مطالعات فرهنگی و صورت‌بندی دوگانه نظری-روش شناختی در بازنمایی دیگری. در برگ فرهنگ. پاییز و زمستان ۱۳۸۹. شماره ۲۲.
نیومن، فیلیپ و باربارا نیومن، «اثرات تلویزیون بر رشد کودکان و نوجوانان»، ترجمه اسماعیل بیابانگرد، فصلنامه پژوهش و سنجش، ش ۱۵ و ۱۶ (پاییز و زمستان ۱۳۷۷)

Barker, Chris, **The stage dictionary of cultural studies**, stage publications, London, 2004.

Casey, Bernadette. Casey, Neil. Calvert, Ben. French, Liam. And Lewis, Justin. (2002).
Television Studies: The Key Concepts. Routledge, London, England.

Hall, Stuart (1997). **The Work of Representation, In Cultural Representation and Signifying Practice**, Sage Publication, U.S.A.

Department of Mental Health of World Health Organization, 1999.

DIVISION OF MENTAL HEALTH AND PREVENTION OF SUBSTANCE ABUSE, **PROGRAMME ON MENTAL HEALTH WORLD HEALTH ; LIFE SKILLS EDUCATION FOR CHILDREN AND ADOLESCENTS IN SCHOOLS**, 1997.

